

## دیباچه

### امام خمینی (ره) مری بزرگ

امروزه ما در جامعه‌ای جوان زندگی می‌کنیم، جامعه‌ای که دو نسل در آن در حال تکاپو و تلاش هستند: نسل اول، نسل انقلاب است که همه آن شرایط و آن شیرینی‌ها و آن فراز و نشیب‌های بسیار پر مخاطره دوران انقلاب اسلامی را در ذهن خود دارد و سالهای قبل و بعد از پیروزی را با آن حوادث بسیار سرنوشت ساز در خاطر خود حفظ نموده است. نسلی که دوران ده ساله رهبری حضرت امام خمینی (علیه السلام) را به گرمی و شیرینی چشیده و پیروزی‌هایی را که در عرصه‌های مختلف انقلاب برای ملت پیش آمده تجربه کرده و آبدیده شده است.

اما نسل دوم انقلاب نسلی است که ظلمها و ستمهای تاریخ معاصر را که بر مردم رفته است به یاد نمی‌آورد و به همین دلیل بین خود و نسل اول احساس فاصله می‌کند و دوران جدیدی را در حیات جمهوری اسلامی تجربه می‌کند. این شاید مهم‌ترین نگرانی و دغدغه جامعه امروز است با این سؤال که چگونه باید آن رسالت، اهداف، آرمانها، ارزشها و شیرینی‌ها را به نسل دوم انقلاب منتقل کند. در این عصر و این دهه، که دهه واگذاری مسئولیت به نسل دوم انقلاب است، هنر مریبان و مسئولان تربیتی و بلکه همه دلسوزان انقلاب، آن است که بتوانند این مأموریت و رسالت را به شایستگی انجام دهند و قطعاً ظرافت‌ها، پیچیدگی‌ها و دقت نظرهایی که در دوران انتقال وجود دارد، چیزی نیست که به آسانی بتوان از آن گذشت.

همت و تدبیر در این است که با تکیه بر گذشته پر افتخار انقلاب اسلامی، اندیشه و افکار امام (علیه السلام) را برای امروز جامعه تبیین نمائیم و بتوانیم متناسب با شرایط روز، این پیام را به نسل جدید منتقل کنیم و راه حل در وهله نخست شناخت اندیشه امام است.

باید آنچه را که رمز جاودانگی امام و اندیشه اوست کشف نمود. بنظر می‌رسد رمز این جاودانگی در شخصیت امام است. امام (علیه السلام) یک عالم وارسته و بزرگوار، یک مجاهد به تمام معنا، یک فیلسوف عالی قدر، و یک فقیه والا مقام بود، اما همه اینها، همه امام نبود؛ امام مری بزرگی بود که این ویژگی‌ها را نیز داشت، باید گفت امام فراتر از این همه بود و به عنوان یک الگو و اسوه در جامعه مطرح بود و هست.

ویژگی‌هایی که برای یک مری بزرگ نقل می‌شود، معمولاً عبارتند از:

۱. یک مری، نظری واقع بینانه به مسایل جهان و انسان دارد؛
  ۲. در مورد انسان همه جانبه فکر می‌کند، یعنی نظری جامع در مورد انسان دارد؛
  ۳. در مورد اهداف، اصول و روش‌های تربیت، راهکارهای مشخص و راهنمای عمل ارائه می‌دهد؛
  ۴. تضادی بین اندیشه، گفتار و رفتار وی وجود ندارد، یعنی به آن چه می‌گوید عمل می‌کند؛
  ۵. او نمونه‌ای کامل از اندیشه‌های تربیتی خود و آن چیزی است که تبلیغ می‌کند؛
  ۶. نتایج عملی تعلیمات او در جامعه واقعیت دارد، یعنی به فکر و اندیشه‌اش عمل می‌شود.
- امام از نوادر مربیان جامعه است که تمامی این خصوصیات را دارا بود و این نکته‌ای بسیار مهم است که یک مری هم نظری واقع بینانه نسبت به مسایل جهان و انسان داشته باشد و هم جامعیت وجود انسان را لحاظ کند و نیازهای او را ببیند. امام با توجه به اینکه یک فیلسوف و یک صاحب نظر در مسایل تربیتی بود، آراء و اندیشه‌هایش بستر ساز یک نظام تربیتی شد که قبل از تولد، در طول زندگی و تا پایان حیات انسان دارای راهکارهایی مشخص است و این حداقل نگاه امام به مسایل تربیتی است.

نکته مهم دیگر آن است که کنکاش کنیم و بفهمیم که رمز تأثیر گذاری افکار و اندیشه‌های امام در جامعه چه بوده است. این به ما کمک می‌کند که بتوانیم به یک راهنمای عملی دست پیدا کنیم. تلاش اول در رسیدن و کشف این رمز آن است که بدانیم امام از هیچ ابزار مادی برای ایجاد انقلاب و تحول در جامعه استفاده نکرد و با تلاش و تأمل عمیق‌تر در می‌یابیم که او به عنوان یک مری بزرگ دارای ویژگی‌های بسیار جالب توجه و اثر گذاری بوده است:

۱. امام مظهر خواسته‌ها، آمال و آرزوهای مردم بود. مردم را خوب می‌شناخت و ستمی را که

بر آنان در طول تاریخ وارد شده بود احساس می‌کرد علاوه به شخصیت، اصالت و شایستگی مردم اعتماد و اعتقاد داشت و در نتیجه وجودش مظهر و نماد خواسته‌های مردم گردید و بستر اصلی مردم سالاری را فراهم نمود.

۲. امام مظهر اسلام خواهی و دین خواهی مردم مسلمانی بود که باور داشتند اسلام یک دین مترقی، کامل و پیشرو است و می‌تواند زندگی انسانها را رهبری نماید. وقتی امام به میهن بازگشت و این اندیشه را مطرح کرد مردم همه عقاید دینی خود را در وجود او متبلور دیدند. او افقهای جدیدی از اسلام را ارائه می‌نمود که با زندگی آنها و نیازهای جامعه و آزادی‌های مشروع سازگار بود. فلذا یکپارچه به وی گرایش پیدا کردند. امام از دین یک تعریف جامع ارائه داد و دین را در همه عرصه‌های زندگی وارد کرد و این نگاه جدید به دین را با عنوان «اسلام ناب محمدی (ص)» عرضه کرد. این دین، دینی بود که مظهر رحمت و بزرگواری مردم بود؛ دینی که پاسخ‌گویی نیازهای دنیا و آخرت مردم بود؛ دینی که به مردم اعتماد می‌کرد؛ دینی که با همه وجود در خدمت رشد و اعتلای مردم و برای مردم بود.

امام تصویری از دین ارائه نمود که همه نسبت به آن احساس تعلق می‌کردند و با همه وجود خواسته‌های دینی‌شان را در این اندیشه می‌دیدند و این باعث شد که به صورت یکپارچه و با همه توان، این وحدت و محوریت را در جامعه حفظ و ترویج نماید. به بیان دیگر، امام یک مکتب بنا نهاد، همه ایران مدرسه شد و همه مردم شاگرد و یاوران و نوآموزان مکتب او شدند.

۳. امام با مردم صادق و شفاف بود و به صراحت سخن می‌گفت.

امام با مردم چنان صادق بود که مردم هیچ وقت احساس نمی‌کردند در وجود و افکار امام چیزی باشد که مردم از آن بی اطلاع باشند؛ حتی اگر مسئولین خطایی می‌کردند، امام می‌گفت من شما را به مردم معرفی می‌کنم؛ یعنی بالاترین تهدید امام این بود که اگر خطا کردید، من شما را به مردم معرفی می‌کنم و این یعنی باور داشتن به قدرت مردم و صداقت داشتن با آنها که سرمایه پایان‌ناپذیر امام بود.

۴. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دیگر این مربی بزرگ، آن بود که حس خودباوری و اعتماد به نفس را در مردم تقویت کرد. ایشان می‌گفت: «نگویید نمی‌توانیم، بگویید می‌توانیم». این توانستن را امام به ما یاد داد و همین باعث شد که در طول انقلاب، هر گاه اراده کردیم کاری را انجام دهیم، توانستیم و هر وقت به دیگران متکی شدیم، نتوانستیم. امام جمله‌ای زیبا به مناسبت تأسیس مدارس شاهد دارد که دربردارنده نکته‌ای بسیار جامع است. ایشان می‌فرماید:

«زندگی در دنیای امروز زندگی در مدرسه اراده است و سعادت و شقاوت هر انسان به اراده همان انسان رقم می‌خورد. اگر بخواهیم عزیز و سربلند باشیم باید از سرمایه‌های عمر و استعداد‌های جوانی استفاده کنیم.» و در این معنا، اراده نقطه اتکا و تحول در تربیت است.

۵. امام به جوانان اعتماد زیادی داشت و حتی جوان‌ترین افراد را در بالاترین مسئولیت‌های اجرایی کشور قرار داد.

این ایجاد احساس خودباوری و اتکاء در مردم و به خصوص جوانان، یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد امام بود که باعث شد ایشان و حرکت ایشان مورد اقبال عامه قرار گیرد و همه از پیر و جوان به ایشان گرایش و علاقه قلبی پیدا کنند. امام در عین کهنسالی که ویژگی آن فاصله با جوانان و روحیات و خلقیات آنان است، مسن‌ترین رهبری بود که بالاترین و بیشترین هواداران او جوانان و نوجوانان بودند.

مجموع این ویژگی‌ها و بسیاری صفات ناگفته دیگر بود که باعث شد امام (علیه السلام) به عنوان یک الگوی تربیتی پیشرو مورد توجه و استقبال قرار گیرد و انقلاب اسلامی را معماری کند.

اگر چه در دوران حیات حضرت امام خمینی (علیه السلام) عظمت و سربلندی انقلاب اسلامی آوازه جهانی یافت و پس از ارتحال ایشان گمان می‌رفت که با خاموش شدن این چراغ فروزان، از عزت و سربلندی نظام کاسته شود و اسلام خواهی مردم فروکش کند و بزعم بعضی از ساده اندیشان و کج فهمان داخل کشور که تصور می‌کردند دوران اندیشه‌های امام سپری شده و باید به تفکر و اندیشه دیگری رجوع کرد، لیکن با وجود تدبیر و هوشمندی رهبر بزرگوار انقلاب که از مشخصات همیشگی ایشان، توجه دادن به راه امام و اندیشه امام است و با بیان آن تعبیر بلند که فرمودند: «هدف امام هدف ما، راه امام راه ما و رهنمود او مشعل فروزان این انقلاب و آینده کشور خواهد بود»، خوشبختانه آن گمانها، تصورات و کج فهمی‌ها کمرنگ شد و امروزه در دهه سوم انقلاب اسلامی، به ویژه پس از حماسه دوم خرداد (۱۳۷۶) که به تعبیر رهبر بزرگوار انقلاب «آغاز دوران جدید و درخشان انقلاب اسلامی است»، نگاهی همه جانبه و رویکردی جامع به افکار، اندیشه‌ها، منش و سلوک امام در جامعه آغاز شده است و البته باید سعی شود که این رویکرد جامع علاوه بر افکار و اندیشه‌ها، به عمل نیز راه پیدا کند و تدابیری اندیشه شود که زنده نگه داشتن «اندیشه»، «افکار»، «منش» و «سلوک» امام به طور یکپارچه در سرفحوه برنامه‌ها قرار گیرد.

باید تلاش کنیم رمز و رازی را که امام بزرگوار در جامعه به عنوان مظهر عظمت و عزت مردم مطرح می‌کرد یعنی جمهوریت و اسلامیت و یا به تعبیر کاملتر مردم سالاری دینی را احیا کنیم و

این مهم خصوصاً برای معلمان و مربیان آموزش و پرورش که بیش از همه با نسل دوم انقلاب در ارتباط بوده و هستند، ضروری تر می‌نماید.

اکنون بعد از گذشت سالها از رحلت امام، مرور اندیشه‌ها و بازکاری افکار ایشان همچنان مورد توجه است و این حرکت بسیار مبارکی است و امید است در همه زمینه‌ها و به صورتی جامع افکار ایشان مورد مطالعه و تأمل قرار گیرد و به آن به عنوان راهکار عملی و برنامه‌تثوری و فکری آینده انقلاب اسلامی نگاه و عمل شود.

در این میان، بازخوانی و تأملی در رهنمودهای تربیتی امام (علیه السلام) حرکتی است که توسط مرکز مطالعات تربیت اسلامی و در قالب تدوین مجلد پنجم کتاب تربیت اسلامی صورت گرفته است با این امید که این حرکت همچنان ادامه پیدا کند و صاحب نظران فرهیخته حوزه، دانشگاه و آموزش و پرورش با ارایه نظرات و دیدگاههای خود در زمینه مباحث مطروحه در این کتاب، زمینه ساز مطالعات عمیق‌تر و بهتر پیرامون افکار و رهنمودهای تربیتی آن مربی بزرگ باشند. انشاءالله

رحیم عبادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی